



جایگاه و کارکرد معلمان در جامعه پردازی و تمدن سازی

فرشید رستم زاده

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی

rostamzadehfarsheed@yahoo.com

۰۹۱۴۸۲۶۸۱۳۰

چکیده :

آموزش و یادگیری، مهمترین زیرساخت تمدن سازی، پایداری و تعالی یک جامعه محسوب می شود و این رسالت بر عهده نظام آموزش و پرورش است که از درون آن انسانی توانمند، و کارساز خلق می شود و معلمان عنصر اصلی این هدف هستند. تحقیق حاضر با هدف بررسی جایگاه و کارکرد معلمان در جامعه پردازی و تمدن سازی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. بر اساس نتایج پژوهش تمدن سازی به عنوان آرمانی بلند نیازمند توجه به سرمایه انسانی است و از آنجا که نهاد رسمی تعلیم و تربیت میزبان و مولد چنین سرمایه ای است، معلمان به عنوان سرمایه ساز عرصه را برای تربیت سرمایه انسانی مهیا کرده و با تربیت دانش آموزان باهویت و مستقل مسیر را برای تمدن سازی و جامعه پردازی هموار می نمایند.

واژگان کلیدی: معلمان ، جامعه ، تمدن ، آموزش و پرورش



مقدمه

جامعه مطلوب دغدغه اندیشمندان و سیاستمداران در همه اعصار بوده است؛ همان چیزی که در متون مختلف از آن تحت عناوینی چون مدینه فاضله، مدینه سعیده آرمان شهر شهر نیکان یا جامعه متمدن یاد می کنند. به طور طبیعی در جامعه متمدن به عنوان جامعه مطلوب همه نهادها ساختارها و هر آنچه به نظام جامعه مربوط است معطوف به تمدن سازی است. جامعه متمدن نوعی از جامعه با ویژگی های منحصر به فرد است. میتوان گفت همه جوامع در اموری نظیر توجه به نظم و قانون، احترام به حقوق یکدیگر رعایت هنجارها و تعامل به جهت رفع نیازها مشترک هستند؛ اما جامعه متمدن دارای ویژگیهای منحصر به فرد است. (برادران حقیر و همکاران، ۱۴۰۲) بالتبع گستره تمدن فراتر از جامعه سازی است تا زمانی که یک جامعه نتوانسته باشد به پایداری برسد و نیازهای درونی خود را رفع کند نمیتواند به تمدن سازی برسد. به علاوه اجرای صحیح تعاملات اجتماعی در بستر یک تمدن تنها برآمده از صرف اعتبارات و الزامات اجتماعی نیست؛ بلکه در تمدن اجرای قوانین و تعاملات اجتماعی به دلیل یک فرهنگ مدرک و خواست عمیق اجتماعی است. (همایون، ۱۳۹۸) لذا فرهنگ و هویت اجتماعی در جامعه متمدن جایگاه ویژه دارد.

تمدن در لغت به معانی گوناگونی وارد شده است که مهمترین آن تمدن به معنای شهرنشین و اقامت در شهر است؛ بنابراین به شهرآیینی و حسن معاشرت، تمدن گویند. فرهنگهای لغت زندگی متمدن در برابر زندگی بربرهای وحشی که فاقد زندگی شهر نشینی بوده اند را وجه تمایز دنیایی متمدن با غیر آن دانسته اند و به معنای اقامت در شهر است. برخی دیگر از لغت شناسان آن را به معنای خوگرفتن با اخلاق و آداب شهریان دانسته اند، در نتیجه می توان تمدن را در لغت به معنای شهرنشینی زندگی کردن و از حالت بیابان نشینی و خشونت به حال شهرنشینی گراییدن در نظر گرفت. (مبین، ۱۳۶۵) ویل دورانت معتقد است: «تمدن عبارت است از خلاقیت فرهنگی که خود در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می یابد». وی معتقد است: «تمدن نظم اجتماعی است که موجبات سرعت بخشیدن به کسب دستاوردهای فرهنگی و بهره گیری از اندیشه ها، آداب و رسوم، هنر و خلاقیت می شود». در نهایت او تمدن را عبارت از مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های مادی و معنوی جامعه انسانی معرفی می کند. (دورانت، ۱۳۷۰)

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را با علم و تکنولوژی یکی انگاشته اند برخی آن را محدود به قدرت سیاسی کرده اند، برخی مانند تایلور تمدن را به عناصر و مؤلفه های تمدنی مثل هنر، اخلاق، آداب و رسوم تعریف کردند و برخی مانند آلفرد وبر به ویژگیهای تمدنی توجه داشتند و کسانی مانند هومبولت در تعریفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده اند. (جهان بین و معینی پور، ۱۳۹۳) در قرن نوزدهم برداشت از تمدن به معنای متری کردن (اروپایی کردن) بود، تا اینکه در سال ۱۹۲۰ آلفرد وبر در واکنش به اشیپنگلر تمدن را با سازوکارهای عینی فنی و اطلاعاتی جامعه و فرهنگ را با امور ذهنی مانند دین و فلسفه و هنر یکی دانست. تمدن در نظر او انباشت پذیر و برگشت ناپذیر است. مک ایور تمدن را به معنای شکل جامعه و نظام و کنترل شرایط اجتماعی میداند و کسی مثل کروبر تمدن را به واقعیههای اجتماعی مرتبط و کسی دیگر تمدن را در جلوه های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می کند. (روح الامینی، ۱۳۷۹)

در جمع بندی تعریف تمدن می توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه نشینی خارج و در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می شود. بر این اساس تمدن حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبانی شناختی هنجاری است که در آن به سؤالات بنیادین هستی شناختی انسان شناختی و معرفت شناختی پاسخ داده می شود و بر آن اساس ارزشها و نیز هنجارها که نسبت به ارزشها انضمامی تر است تعیین می گردد. در گام بعدی مبتنی بر مبانی هنجارهای شناختی، نظام های نظری - عملی تولید می گردد و بر آن اساس نهادها شکل می گیرند و نهادها متکفل بازتولید نظامهای نظری عملی اند. تفاوت تمدنها از همین جا نشأت می گیرد و به عبارتی مدلهای نظری



عملی گوناگون تمدن های مختلف را شکل می دهند به عبارت ملموس تر تمدن ها اشکال انضمامی شده مدل های نظری اند که انتزاعی اند. (جهان بین و معینی پور ، ۱۳۹۳)

هر تمدنی دارای مجموعه اندیشه ها و مبانی فکری است که فلسفه شکل گیری آن تمدن هستند. در واقع تمدن روی پایه های اندیشه ها و مبانی فکری بنا نهاده شده است. (طاهرزاده ، ۱۳۸۹) و دارای گرایش های فرهنگ ساز هستند، یعنی فرهنگ هر جامعه در بستر گرایش ها تمایلات و عاطفه ها شکل می گیرد و این گرایش ها سهم اصلی در شکل گیری تمدن را دارد. (جمالی ، ۱۳۹۴) رکن دیگر تمدن توانش آن تمدن است که سنگ محک عینی تمدن محسوب میشود. یعنی عملکرد و دستاورد و محصول آن توانش امنیتی نظامی توانش اقتصادی توانش فرهنگی و توانش علمی که توانش علمی در ایجاد اعتلا و بقای یک تمدن نقش زیادی دارد؛ لذا تمدن ها برای تحقق با اعتلا نیازمند تجدید نظر و دقت در هر سه رکن دانش ها، گرایش ها و توانش های تمدنی هستند. (فرمehینی فرهانی ، ۱۳۹۵)

فرض بر این است که « تمدن سازی توسط انسان قابلیت مدیریت دارد . در واقع تمدن سازی فرآیندی است که با خلق مفهوم جامعه ، صنعت ، فناوری ، فکر ، اندیشه ، تولید علم و سازه های تمدنی شروع شده ، رشد یافته و متبلور می شود و در تمامی این موارد نقش انسان پررنگ است . همچنین انسان ها محور تحول ، عامل تحول و هدف تحول در تمدن سازی هستند . » (گودرزی ، ۱۳۹۴) از این رو تربیت و آموزش انسان تمدن ساز ضروری است. برای پی ریزی تمدن مطلوب، شناخت صحیح و شناساندن فاکتورهای اصلی آن نظیر عناصر و ویژگی های هویتی و تاریخی، وجود یک دستگاه عظیم و گسترده را برای نشر خود می طلبد و نهاد تعلیم و تربیت و بالتبع آموزش و پرورش رسالت این امر خطیر را بر عهده دارد . آنچه که در این بین عمومیت دارد، این است که آموزش و پرورش به عنوان سازوکار اصلی امر تعلیم و تربیت نیروی انسانی مطلوب، دارای نقش ویژه و به خصوصی می باشد. در واقع می توان گفت که آموزش و یادگیری، مهمترین زیرساخت تمدن سازی، پایداری و تعالی یک جامعه محسوب می شود . جامعه با یادگیری، روح تازه ای پیدا می کند و رشد و اعتلا می باید . در حقیقت، آموزش و پرورش باید طوری باشد که از درون آن انسانی توانمند، و کارساز خلق شود که معلمان عنصر اصلی این هدف هستند . (ایزدپناه ، ۱۴۰۱)

مسعودی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی جایگاه آموزش و پرورش در تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران پرداخته و نشان دادند « از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی ایرانی است . از اهم نهادهای اساسی و زمینه ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است . در واقع می توان گفت که آموزش و یادگیری، مهم ترین زیرساخت تمدن سازی، پایداری و تعالی یک جامعه محسوب می شود. جامعه با یادگیری، روح تازه ای پیدا می کند و رشد و اعتلا می باید. در حقیقت ، آموزش و پرورش باید طوری باشد که از درون آن انسانی توانمند، و کارساز خلق شود که معلمان عنصر اصلی این هدف هستند. فرایند آموزش و پرورش به منزله ی عملی اجتماعی ، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت می گیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان آموزش و پرورش به شمار می آید؛ همچنین آشکار شد که از ظرفیت نیروهای نخبگانی در جهت تعمیق آرمانها و ارزشهای یک جامعه برای نقش آفرینی در آموزش و پرورش نباید غافل شد و با وجود آنان باید مانع از بی راهه رفتن در زمینه تحلیل نظری و ایجاد گفتمان مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش مطلوب و مورد نظر شد. »

بارانی بنو و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود به بررسی نقش معلم در توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعه پرداختند و نتیجه گیری کردند « آموزش و پرورش به معلمان آگاه، دلسوز و توانمندی نیاز دارد که بتوانند اهداف نظام تعلیم و تربیتی اسلامی را محقق نمایند. معلمی که وظیفه تربیتی نسل آینده را بر عهده دارد باید در حوزه های فرهنگی و اجتماعی تقویت شود به گونه های که در مقابل تهاجمات فرهنگی بدون آسیب باشد. توجه معلمان عزیز به علم امروز و دسترسی به آموزه های دینی و قرآنی و تلاش در جهت ترویج سبک زندگی اسلامی ضیام پیشرفت و ترقی جامعه دانش آموزی خواهد شد. معلمان نقش اصلی و متیوری را در تربیتی انسانی مفید و کارآمد جامعه بر عهده دارند و اداره امور کشور در آینده به دست افرادی صورت می گیرد توسط معلمان امروزی تربیت و پرورش یافته اند. تعلیم و تربیت صحیح دانش آموزان توسط معلمان باعث می شود که جامعه از آسیبهای اجتماعی



در امان باشد. معلمان چون رسالت تعلیم و تربیت را بر عهده دارند می توانند در اعماق وجود انسان ها نفوذ کنند و تاثیرات ماندگاری از خود بجا گذارند.

«

نتایج تحقیق ایزدپناه (۱۴۰۱) در بررسی جایگاه آموزش و پرورش و نقش آن در تمدنسازی انقلاب اسلامی نشان داد «فرایند آموزش و پرورش به منزله ی عملی اجتماعی، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت میگیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان آموزش و پرورش به شمار میآید؛ همچنین آشکار شد که از ظرفیت نیروهای نخبگانی در جهت تعمیق آرمانها و ارزشهای یک جامعه برای نقش آفرینی در آموزش و پرورش نباید غافل شد و با وجود آنان باید مانع از بی راه ه رفتن در زمینه تحلیل نظری و ایجاد گفتمان مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش مطلوب و مورد نظر شد.»

برادران حقیر و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود به بررسی نقش معلمان در تمدن سازی با تأکید بر هویت دانش آموزان مبتنی بر منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی پرداختند. هدف نگارندگان در این پژوهش دستیابی به منظومه فکری و اندیشه های دو رهبر انقلاب اسلامی ایران درباره نقش معلمان در تمدن سازی است که هسته اصلی آن را دانش آموزان با هویت تشکیل می دهد. از آنجا که انقلاب اسلامی داعیه دار تحقق تمدن سازی است، لذا این ویژگی ها در بیانات رهبران انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب که نمونه ای هدفمند از بیانات و پیام ها که در جمع فعالان حیطه تعلیم و تربیت انجام شده، انتخاب و به شیوه تحلیلی - استنتاجی در متن، یافته ها در دو بخش ارائه شد. بخش اول که مبتنی بر غوطه وری در بیانات است به ویژگی های هویت سازی در دانش آموزان به عنوان هدف تعلیم و تربیت پرداخته و در چهار رابطه با خویشتن، با خداوند، با جامعه و نسبت با بیگانگان دسته بندی شده است. بخش دوم بر شایستگی معلمان به عنوان سرمایه های سرمایه ساز اشاره دارد که به چهار مقوله ویژگی های اخلاقی، توانمندی ذهنی و باورها، دانش کاربردی و مهارت عملی می پردازد. این مقولات هریک در سه بُعد نسبت با خداوند، با جامعه و با بیگانگان مورد تحلیل قرار گرفته اند. «

خواجهی (۱۴۰۲) در تحقیقی به تبیین نقش الگوهای تربیتی معلمان در تربیت نسل تمدن ساز حسینی پرداخته و به این نتیجه دست یافت که «دو عامل خانواده و مدرسه نسبت به سایر عوامل، نقش بسیار برجسته و سازنده ای در شکل گیری شخصیت افراد جامعه دارند. در این میان، خانواده نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. اینجاست که بخش اعظم سلايق و علايق، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد شکل می گیرد. مدرسه نیز به عنوان مکمل خانواده، کانونی است که در آن افراد همراه با تعلیم و کسب معلومات، تربیت می شوند. در مدرسه نیز عوامل مختلفی از قبیل برنامه های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن وجود دارند که در امر تربیت موثرند؛ ولی هیچ یک از این ها به اندازه نقش معلم، چه به لحاظ آموزشی و چه تربیتی تاثیرگذار نیستند. اوست که به رفتار دانش آموز شکل می دهد و افراد مورد نیاز جامعه را تربیت می کند. از این رو دانش آموزان، بایستی نسبت به الگوهای تربیتی و معنوی معلمین گرامی در مدارس، تاسی و اهتمام ویژه داشته باشند.»

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه ای به بررسی جایگاه و کارکرد معلمان در جامعه پردازی و تمدن سازی پرداخته و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.



بحث درباره یافته ها

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل موثر بر شکل گیری تمدنهای کهن و پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته امروزی نشان میدهد که همه این تمدنها و پیشرفتهای علم و دانش بوده است. پس بدون شک زیر بنای تشکیل یک تمدن، علم و فرهنگ آن است. آموزش و پرورش هم از طریق کار کرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری و امروزه ایجاد جامعه ای با یک فرهنگ منسجم و هویت مشترک از جمله وظایف نظام آموزش و پرورش است. برای ایجاد این انسجام سیستم آموزشی باید مولفه های این فرهنگ را با هم تغییر و انتقال دهد تا فاصله و تاخیری بین این جنبه ها برای رسیدن به تکامل ایجاد نشود هم از طریق ارتقاء، پرورش و رشد حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان ها محور و قلب توسعه فرهنگی و شکل گیری تمدن است و می توان به واقع بیان داشت که شکل گیری یک تمدن با آموزش و پرورش ارتباط همه جانبه دارد. (پورموسوی، ۱۳۹۴)

جامعه شناسان آموزش و پرورش همواره بر اهمیت تدریس و نقش معلم در این راستا تأکید می ورزند. معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت و روح نظام آموزشی هر کشوری است و با کوشش خردمندانه او است که اهداف متعالی نظام آموزشی کشور محقق می شود و آنچه کودکان، نوجوانان و جوانان در مدرسه کسب می کنند، متأثر از خصوصیات، کیفیات، شایستگی های علمی، فرهنگی؛ دینی، تربیتی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. بی تردید معلم در دگرگونی نظام آموزشی به اندازه کل عوامل نظام نقش دارد و اثرگذار است، به گونه ای که می توان سطح دانش، توانایی و کیفیت علمی هر کشور را از سطح دانش، توانایی، کیفیت و مهارت معلمان آن کشور تشخیص داد. (افتخار، ۱۳۹۲)

علیرغم تمامی پیشرفت ها و تحولات شگرف علمی جهان، در دنیای ارتباطات و فناوری اطلاعات، هنوز هیچ جایگزین بی بدیلی برای معلم یافت نشده است؛ بنابراین هر تغییر و تحولی در کیفیت آموزشی و هر تلاشی برای تغییر بنیادی نظام، بدون تحول در نظام معلمی امکان پذیر نخواهد بود. امروز سرمایه گذاری در تربیت و ارتقای جایگاه منابع انسانی در تمامی کشورهای پیشرفته جهان، نوعی سرمایه گذاری عمرانی برای توسعه پایدار در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی است.

برای فهم ساختار و فرایند اجتماعی نقش معلم سه دیدگاه عمده نظری در جامعه شناسی تدریس مطرح است: نظریه کارکردگرایی؛ نظریه تضاد؛ نظریه تفسیری. هر یک از این سه نظریه یاد شده بر نقش کانونی معلمان و نهاد آموزشی تأکید دارند، اما هر یک به این نقش به گونه خاصی می پردازند. در نظر صاحب نظران دیدگاه کارکردگرایی، نقش آموزش و پرورش انتقال دانش فرهنگی، ارزش ها و باورهاست. در حالی که در دیدگاه نظریه تضاد، نقش آموزش و پرورش بازتولید ساختار اقتصادی و قشر بندی نیروی کار است. این در حالی است که از دیدگاه تفسیری نیز، نقش آموزش و پرورش، همانا فرایند اجتماعی شدن است. (جلالوند، ۱۳۹۸) در ادامه این نوشتار، به بیان کامل تری از دیدگاه های موجود می پردازیم:

۱. دیدگاه کارکردگرایی (دیدگاه تعادل یا وفاق):

این نظریه به روابط موجود بین ساختارها یا نهادهای موجود و دوام جامعه (نظیر آموزش و پرورش) و نقشی که این نهادها در حفظ وضع موجود و دوام جامعه ایفا می کنند، توجه دارد. از این نقطه نظر، جامعه نظامی از اجزای به هم وابسته دارای کارکرد است. امیل دورکیم برای اولین بار به طرح این موضوع پرداخت که آموزش و پرورش نهادی است که از طریق آن، ارزش ها به اعضای جامعه منتقل و در آن ها درونی می شوند. از این لحاظ آموزش و پرورش دارای ماهیت اخلاقی است. به اعتقاد او، «تربیت اخلاقی» وظیفه معلمان است. لذا تعهد معلمان به ارزش ها و باورهای اصلی جامعه بسیار اهمیت دارد. دورکیم نقش معلمان را بسیار قدرتمند می دانست، زیرا این معلمان هستند که انتقال فرهنگی ارزش ها از نسلی به نسل دیگر را تضمین می کنند. بدین سان معلمان در حفظ نظم اجتماعی موجود نقش مهمی دارند.



۲. دیدگاه تضاد:

نظریه پردازان دیدگاه تضاد، از جمله مارکسیست ها و نئومارکسیست ها، معتقدند نظریه کارکردگرایی از تبیین کامل ماهیت پویای جامعه عاجز است. در مقابل آنان جامعه را نظامی می دانند که ویژگی آن وجود نابرابری اجتماعی است. همین نابرابری سبب تضاد اجتماعی و تغییر اجتماعی می شود. منبع نابرابری اجتماعی همانا سازمان اقتصادی جامعه و توزیع نابرابر آن است. این دسته از متفکران بر این باورند که مدرسه پیوند مهمی بین اقتصاد و فرصت های اقتصادی افراد برقرار می کند و این سبب خواهد شد که مدرسه به تقویت نابرابری کمک کند. زیرا مدرسه تحت کنترل افراد قدرتمندی است که مدرسه منافع آنان را تأمین می کند.

نتایج تحقیقات بولز و جیتیس نشان داده اند، مدرسه در خدمت طبقه سرمایه دار است، زیرا کارگرهایی را از طریق انتقال ارزش هایی نظیر اطاعت از منبع قدرت، سروقت حاضر بودن، و احساس مسئولیت برای کار، برای خدمت به سرمایه داری تربیت می کند. (شارع پور، ۱۳۸۷) به اعتقاد این نظریه پردازان، ایده فرصت های آموزشی برابر برای تمام طبقات یک اسطوره است. در حقیقت مدرسه دانش آموزان را به گونه ای متفاوت از هم و متناسب با خاستگاه اجتماعی - اقتصادی شان، پاداش می دهد. این امر تقسیم کار اجتماعی موجود در جامعه را بازتولید می کند. از این نظر، معلمان ابزار فرایند بازتولید هستند و تا زمانی که قضاوت های خویش را از دانش آموزان بر مبنای طبقات اجتماعی آن ها انجام می دهند، نابرابری را دائمی می سازند. در واقع تحلیل مارکسیستی این دیدگاه به بررسی رابطه متقابل بین مدرسه و جامعه می پردازد.

۳. دیدگاه تفسیری:

در این دیدگاه، جامعه هویتی پویا تصور می شود که روابط ناشی از کنش و واکنش زنان و مردان آن را شکل می دهد. این دیدگاه به رد نظریات کارکردگرایی در خصوص جامعه، دانش و رفتار انسانی می پردازد و نسبت به فهم الگوهای ارتباطی که ساخت اجتماعی واقعیت را شکل می دهند، ابراز علاقه می کند. بدین ترتیب، نظریه های تفسیری مبتنی بر معانی تفسیری هستند که مردم آن ها را از طریق ارتباط با دیگران می سازند. جامعه شناسان تفسیری و به خصوص طرفداران سنت کنش متقابل نمادی، به توسعه «خودنگاره»، فرایند اجتماعی شدن و توانایی افراد برای ایفای نقش علاقه مندند. آن ها با استفاده از روش های تحقیق کیفی در جامعه شناسی آموزش و پرورش، به فهم زندگی روزانه در مدرسه از نقطه نظر کسانی پرداخته اند که بخشی از سازمان مدرسه محسوب می شوند. مایکل یانگ طلبه دار برجسته این نظریه است. به اعتقاد او، جامعه شناسی تفسیری در آموزش و پرورش بر ماهیت اجتماعی مقولات آموزشی و فرایندهای اجتماعی تأکید می کند که از طریق آن ها این مقولات ساخته و حفظ می شوند. این نظریه که بیشتر مورد استفاده جامعه شناسان آموزش و پرورش در انگلستان بوده، کوشیده است رابطه معلم - دانش آموز و الگوهای ارتباطی در کلاس درس را دریابد.

از میان تمامی ویژگی های بارز یک معلم، نقش الگویی او همیشه بارزتر و برجسته تر بوده است؛ یک معلم خوب شاگردانش را از سرچشمه زلال علم و معرفت خود سیراب می کند و می تواند نمونه ای از اخلاق، رفتار، اخلاص، حرکت و پویایی برای آنان باشد و با این رفتار می تواند پیوند عمیقی با وظیفه آموزشی خود ایجاد کند. یک معلم در مرحله نخست یک عالم است و اندیشه و دانش او موجب بیداری نسل ها می شود. این که تعلیم و تربیت را از شئون الهی نامیده اند و خداوند این موهبت را قبل از هر کس به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی داشته است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند، نشان از اهمیت و شان والای معلم دارد. در حقیقت معلم با پذیرش این مسئولیت ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک متعلمان خود حک می کند و ندای فطرت را به گوش تمامی آنان می رساند و سیاهی چهل و نادانی را از دل هایشان می زداید و دانایی و روشنایی را در روانشان جاری می کند.



حفظ و اعتلا و انتقال ارزش های اصیل فرهنگی و باورهای مطلوب اجتماعی، رفتارهای متعالی فردی و جمعی، مانند نشاط و پویایی، عطوفت و استواری، عزم و تلاش و امیدواری و مطلوب اندیشی به کودکان و نوجوانان از اساسی ترین رسالت های معلمان بصیر و دوراندیش جامعه است. اگرچه رسانه های گروهی، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و وسایل و ابزارهای صوتی و تصویری و اطلاع رسانی نوین می توانند نقش قابل توجهی در تبلیغ، ترویج و تعمیم بسیاری از باورها، آموزه ها و ارزش های فرهنگی داشته باشند، لیکن به یقین، معلمان در تعمیق و درونی کردن ارزش های فرهنگی و بستر آفرینی برای پدید آیی رفتارهای ارزشی بیشترین سهم را دارند. معلمان که با اندیشه و کلام و رفتاری توأم با منطق و عطوفت، به طور مستقیم و غیر مستقیم و در همه شرایط و موقعیت ها، ارزش ها را پاس می دارند و خوشایندترین فرصت ها را برای نکوداشت ارزش های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی توسط دانش آموزانشان، فراهم آورده، بستر تکوین و پدید آیی اندیشه ها و رفتارهای مطلوب فرهنگی را هموار می کنند. (بانکی، ۱۳۸۷)

آنگاه که فرهیختگان جامعه در کسوت والای معلم، امور فرهنگی و تعلیم و تربیت کشور را بر عهده می گیرند و نونهالان و نوباوگان به عنوان امانت به آنان سپرده می شوند، دیگر سخن از گسست نسل ها و از دست دادن هویت نمی تواند معنا و مفهومی داشته باشد. احساس هویت ملی و پیوند با ارزش های فرهنگی زمانی در نوجوانان و جوانان تبلور می یابد که از دوران کودکی، بویژه طی سال های دبستان، نگرش مثبت و خوشایندی نسبت به ارزش های ملی و فرهنگی و در ایشان بوجود آید. بدیهی است که این نگرش و بازخورد غنی و باور پایدار در شرایطی ایجاد می شود که احساس خوشایندی از خود ارزشمندی، عزت نفس، عزت ملی و اعتبار و اقتدار فرهنگی، بویژه از طریق مدرسه و توسط الگوهای مطلوب و محبوبی چون معلمان، در کودکان پدید آید و ایشان با آداب و رسوم و بایسته ها و ارزش های ماندگار فرهنگی آشنا شوند.

آری، معلمان شایسته ترین الگوها برای انتقال ارزش های فرهنگی و محکم ترین حلقه پیوند نسل ها و بلکه ارتباط عصرهایند. معلمان، بیش ترین فرصت را برای انتقال اصیل ترین ارزش های فرهنگی جامعه به کودکان و نوجوانان، در اختیار دارند. معلمان حلقه پیوند و پل ارتباط میان دیروز و امروز و ترسیم گران فردایند. معلمان با ایفای نقش ارزشمند فرهنگی خود نه تنها از ایجاد خلاء روانی و فرهنگی میان بزرگ ترها و کوچکترها پیشگیری می کنند، بلکه کاستی و ضعف های فرهنگی موجود در برخی از خانواده ها را نیز جبران می کنند. معلمان بیش از همه شایسته پاسداری از حریم فرهنگی و حاکمیت بخشیدن به ارزش ها می باشند.

وظایف معلمان در گام دوم انقلاب

با ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب همه آحاد جامعه به سهم خود برای نهادهای فرهنگی (حفظه الله) در جامعه اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی وظایف و مسئولیت های بسیار مهمی را بر عهده دارند، از این رو می بایست با تعمق و واکاوی دقیق این بیانیه، به خوبی وظایف و مسئولیت های خود را در اجرایی کردن این سند ارزشمند شناسایی نمایند: (بیرانوند، ۱۳۹۹)

۱. خودسازی مقدم بر جامعه سازی

مقام معظم رهبری در فرازهای ابتدایی بیانیه گام دوم انقلاب، مرحله دوم خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی را مطرح کردند. البته بدیهی است که خودسازی و تمدن سازی دارای ابعاد و گستردگی فراوانی است، که شامل تلاش و کوشش در زمینه های مختلف زندگی مادی و معنوی می شود، ولی به طور قطع و یقین در تمام این مباحث خودسازی تربیتی و اخلاقی مقدم بر سایر سازندگی هاست؛ چراکه تا انسان خود ساخته و معنویت



گرا نباشد، سایر تلاش‌های او نیز خیرات و برکاتی را برای جامعه سازی به دنبال نخواهد داشت، باری به هر جهت اولین و مهمترین مسئولیت جامعه معلمان تلاش در جهت پالایش روح و خودسازی است، تا اینکه در سایه معلمان مهذب و اخلاق مدار دانش آموزانی دین مدار و متعهد به جامعه تحویل داده شود .

۲-تهذیب و تعلیم دو بال پرواز

در گام دوم انقلاب جامعه فرهنگی و علمی کشور بیش از پیش می‌بایست به مقوله اخلاق‌مداری توجه داشته باشند، مقام معظم رهبری (حفظه الله) در گام دوم انقلاب به این نکته این چنین اشاره داشتند: « معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند ». در گام دوم انقلاب جامعه فرهنگی معلمان بیش از پیش می‌بایست دو مقوله مهم و راهبردی علم و اخلاق را در فعالیت حرفه‌ای خود مورد توجه قرار دهند، به همان اندازه که به موضوع آموزش و علم آموزی دانش آموزان همت می‌گمارند، مباحث تربیتی و اخلاقی آنها نیز مد نظر متولیان پیشرفت فرهنگی کشور باشد؛

خدای متعال در قرآن کریم وظیفه انبیای الهی را علاوه بر تعلیم تهذیب نیز ذکر می‌فرماید. در دنیایی که همه ابرقدرتهای رسانه‌ای دنیا سعی دارند با تولیدات غیر اخلاقی جامعه جوان و نخبه ایرانی را از معنویت و اخلاق‌مداری باز دارند، این وظیفه سنگین معلمان است که با نشان دادن الگوی مناسب رفتاری، متربیان را با گزاره‌های دینی و اخلاقی آشنا نمایند. یکی از وظایف و رسالات معلمی، تربیت دانش آموزانی عدالت پیشه و فساد ستیز است. در مقوله کادر سازی و جامعه سازی این فساد ستیزی است که موجب تقویت عدالت در جامعه اسلامی می‌شود، جامعه خنثی و بی‌تفاوت در برابر فساد و بی‌عدالتی نمی‌تواند روح پیشرفت و عدالت را به خود مشاهده نماید.

۳. تربیت دانش آموزهای مقاوم و عزت‌مدار

در گام دوم انقلاب اسلامی تمام سعی و تلاش معلمان فهیم و فرهیخته کشور می‌بایست، در جهت توانمند و مقاوم سازی جامعه دانش آموزی باشد، توانمندی که منجر به مهارت و حس استقلال طلبی، عزت‌مداری و آزادی باشد، فرهنگ تربیتی و آموزشی که مبتنی بر آزادی و استقلال و آرمان‌گرایی اسلامی است، هیچ گاه چشم امید و باری به ابرقدرت‌های استکباری نداشته باشد، از این رو با سعی و تلاش و با تکیه بر آرمان‌های ناب اخلاقی و اسلامی به دنبال دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی است، تمدن نوینی که علی‌رغم پیشرفت و رونق مادی به اصول اخلاقی پایبند بوده و زیر بوق ابرقدرت‌های استکباری سر خم نمی‌کند. متأسفانه در رژیم ستم شاهی به علت عدم روحیه خودباوری و استقلال طلبی تمام آمال و آرزوهای جامعه اسلامی، از جامعه غربی تمنا و درخواست می‌شد، ولی به برکت پیروزی انقلاب اسلامی شاه کلید پیشرفت و توسعه که مقاوم شدن معرفی شده مایه تقویت پیشرفت و حرکت به سوی پیروزی شتاب صدچندان نموده است.

مقام معظم رهبری در تبیین این وظیفه سنگین در بیانیه گام دوم انقلاب این چنین بیان داشتند: «استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند ... همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود».



۴- تربیت دانش آموزی عدالت پیشه و فساد ستیز

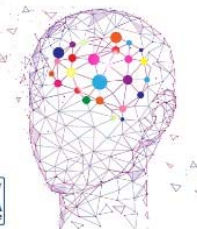
یکی از وظایف و رسالات معلمی، تربیت دانش آموزانی عدالت پیشه و فساد ستیز است. در مقوله کادر سازی و جامعه سازی این فساد ستیزی است که موجب تقویت عدالت در جامعه اسلامی می شود، جامعه خنثی و بی تفاوت در برابر فساد و بی عدالتی نمی تواند روح پیشرفت و عدالت را به خود مشاهده نماید، عدالت و فساد ستیزی در بیانه گام دوم این چنین در رهنمودهای مقام معظم رهبری (حفظه الله) مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: « عدالت و مبارزه با فساد، این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، همچون توده ی چرکین کشورها و نظام هاست و اگر در بدنه ی حکومت ها عارض شود، زلزله ای ویرانگر و ضربه زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی ... بسیار جدی تر و بنیانی تر از دیگر نظامها است. »

۵- کمک به رستائیز علمی کشور

بسیاری از رسانه های غربی و آمریکایی سعی دارند با القاء یأس و ناامیدی مانع حرکت جامعه علمی به سوی قله های پیشرفت می شوند، روحیه سرخوردگی و ناامیدی موجب تضعیف جامعه دانش آموزی می شود، بهانه های سستی همچون بیکاری، بی ارزش بودن علم، ... موجب تضعیف انگیزه برای جهاد علمی می شود، در این بین جامعه معلمان می بایست با تقویت روحیه امیدواری توکل به خدا و اهمیت علم آموزی موجب تقویت حرکت علمی دانش آموزان شوند. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در ضرورت علم آموزی در گام دوم انقلاب این چنین بیان داشتند: « دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند ... ما از صفر شروع کرده ایم. عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می رویم ولی این شتاب باید سال ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. »

نتیجه گیری

تمدن مجموعه ای از عوامل اخلاقی و مادی است که به جامعه فرصت می دهد برای هر فردی از افراد خود در هر مرحله ای از مراحل زندگی خود از کودکی تا پیری همکاری لازم برای رشد را به عمل آورد. با توجه به اینکه امکان مدیریت تمدن سازی بوسیله انسان وجود دارد، لذا ضرورت تربیت و آموزش انسان تمدن ساز غیر قابل انکار است. آموزش و پرورش از طریق انتقال ارزش ها و آداب و سنن، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، تربیت فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه لازم جهت شکل گیری تمدن اسلامی ایرانی فراهم می نماید. سیاستگذاران، همواره باید آموزش و پرورش را به عنوان اولویت اول و اساسی خود برای تعالی، توسعه و پیشرفت یک جامعه و تمدن مورد بررسی قرار دهند و به چالشهای سیاستگذاری در نظام آموزشی توجه لازم را داشته باشند و در فرایند سیاستگذاری الزامات تربیتی و فرهنگی جامعه خود را در نظر بگیرند؛ همچنین آشکار شد که از ظرفیت نیروهای نخبگانی این سازمان در جهت تعمیق آرمانها و ارزشهای یک



جامعه برای نقش آفرینی در آموزش و پرورش نباید غافل شد و با وجود آنان باید مانع از بیراهه رفتن در زمینه تحلیل نظری و ایجاد گفتمان مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش مطلوب و مورد نظر شد.

پیشنهادهات

در این راستا پیشنهادات زیر قابل ارائه می باشد :

۱. توانمندسازی معلمان در حوزه های دانشی ، مهارتی ، شناختی و برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت در جهت ارتقا شایستگی ها
۲. ایجاد بسترهای شناخت خود ، دشمن شناسی و فرهنگ ایرانی اسلامی
۳. ایجاد بسترهایی برای مواجهه با نیازهای جامعه و باور به توانایی برای رفع نیازها

منابع

ایزدپناه، فائزه، ۱۴۰۱، جایگاه آموزش و پرورش و نقش آن در تمدنسازی انقلاب اسلامی، دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس

افتخار ، محمد ؛ ۱۳۹۲ ، نقش معلم در توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه ، <http://mohamad-eftekhar.blogfa.com/post/42> ، بانکی، افروز (۱۳۸۷). ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی ۱. مهر ماه. چاپ: شرکت افست.

برادران حقیر، مریم، زینلی زاده، سیمسنه، محسنی، طاهره. (۱۴۰۲). نقش معلمان در تمدن سازی با تأکید بر هویت دانش آموزان مبتنی بر منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی. نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۹(۱۵)، ۲۶۸-۲۳۹.

بارانی بنو، صنم و ارزانی، سمیه و پوشنه، اسلام، ۱۴۰۱، نقش معلم در توسعه و پیشبرد فرهنگ جامعه، نهمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت، بندرعباس

بیرانوند ، علی ؛ ۱۳۹۹ ، وظایف سنگین معلمان در گام دوم انقلاب ، <https://rasekhoon.net/article/show/1518022> ،

پورموسوی، م . ۱۳۹۴ . بررسی نقش آموزش و پرورش، زمینه سازی تمدن نوین اسلامی . دومین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی و سبک زندگی.

جلالوند ، طاهره ؛ ۱۳۹۸ ، رویکرد جامعه شناختی به آموزش و پرورش ،

<https://samanketab.roshdmag.ir/fa/article/22638>



جهان بین ، فرزاد ؛ معینی پور ، مسعود ؛ ۱۳۹۳ ، فرآیند تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای ، مجله مطالعات انقلاب اسلامی ، شماره ۳۹ ، ۱۳۹۳

جمالی ، مصطفی ؛ ۱۳۹۴ ، استمرار انقلاب با کدام گفتمان ، قم ، انتشارات تمدن نوین اسلامی

خواجهی بازمانده ، علی ، ۱۴۰۲ ، تبیین نقش الگوهای تربیتی معلمان در تربیت نسل تمدن ساز حسینی ، دومین همایش علمی پژوهشمنده ، بندرعباس

دورانت ، ویل ؛ ۱۳۷۰ ، تاریخ تمدن ، ترجمه حمید عنایت و دیگران ، آموزش انقلاب اسلامی ، تهران

روح الامینی ، محمود ؛ ۱۳۷۹ ، زمینه فرهنگ شناسی ، انتشارات عطار ، چاپ پنجم ، تهران

شارع پور ، محمود ، (۱۳۸۷) . جامعه شناسی آموزش و پرورش . انتشارات سمت . تهران .

طاهرزاده ، اصغر ؛ ۱۳۸۹ ، تمدن زایی شیعه ، اصفهان ، لب المیزان

فرمیهنی فرهانی ، محسن ؛ ۱۳۹۵ ، الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی ، مطالعات ملی ، دوره ۱۷ ، شماره ۶۷ ، ۱۰۱ - ۸۳

گودرزی ، غلامرضا ؛ ۱۳۹۴ ، مدلسازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز : برداشتی از روش متدولوژی سیستم های نرم ، فصلنامه شرق موعود ، سال نهم ، شماره ۳۴ ، ۶۸ - ۳۹

معین ، محمد ؛ ۱۳۶۵ ، فرهنگ معین ، انتشارات امیرکبیر ، تهران

مسعودی ، زینب و بشیری ، صدیقه و شریف نژاد ، نرجس خاتون و تختی نژاد ، مجید ، ۱۴۰۱ ، جایگاه آموزش و پرورش در تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران ، دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت ، بندرعباس

همایون ، محمدمهدی ؛ ۱۳۹۸ ، چهل ستون تمدن : مبانی حکمی و مهدوی تمدن نوین اسلامی ، تهران ، انتشارات دانشگاه امام صادق